

تحکیم همبستگی ملی با تأکید بر عناصر جغرافیای فرهنگی در ایران

دکتر مهدی قرخلو - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران*

پذیرش مقاله: ۸۲/۲/۲۰

چکیده

این مقاله عوامل وحدت ملی در ایران را با توجه به عناصر جغرافیای فرهنگی تحلیل و بررسی می‌کند. کشور ایران در شمالشرق خاورمیانه قرار گرفته و نزدیک به ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد. دین اسلام یکی از عوامل تحکیم وحدت در کشور می‌باشد. زبان فارسی که زبان غالب ایرانیان است، به عنوان زبان رسمی و از دیگر عوامل وحدت کشور است. اکتشاف نفت از سال ۱۹۰۸ میلادی در ایران به عنوان یک عامل اقتصادی در استحکام ملی مؤثر بوده، اما عناصری مانند موانع جغرافیایی نظیر کوهها، کویرها و آب و هوای مختلف باعث عدم تجانس در کشور شده است. قومیت‌های مختلف، ایلات و عشایر، و خرده فرهنگ‌های متعدد نیز در ایران فراوانند. این اقوام که بطور سنتی به صورت ایل سازمان یافته اند به ایلات و سنت‌های خود بیش از وحدت ملی پایبند هستند. هدف از تحقیق آن است که عوامل وحدت ملی و موانع تحکیم آن در کشور مورد بررسی قرار گیرد و فواید و مضرات آن برای دولتمران و مردم روشن گردد تا در جهت همبستگی ملی گام برداشته شود. در این مطالعه منابع آرشیوی و تاریخی برای تحلیل موضوع مورد مذاقه قرار گرفته است. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی (مذهب، زبان، موسیقی)، اقتصادی (نفت)، سیاسی (سیاست دولت، سرزمین مشترک) و اجتماعی (شیوه زندگی، امکانات رفاهی) از جمله موارد تقویت و یا تضعیف همبستگی ملی به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، زبان، مذهب، وفاق، همبستگی ملی، سیاست، عوامل جغرافیای فرهنگی

مقدمه

ایران قلمرویی جغرافیایی - تاریخی است که دگرگونی‌های همه جانبه‌ای را در تاریخ خود از سر گذرانده است. واقعیت‌های تاریخی گویای آن است که انقباض و انبساط مرزهای جغرافیایی ایران و موقعیت و مقام معنوی و سیاسی آن در نظام جهانی همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون داخلی و خارجی بوده است. همبستگی ملی از جمله عواملی بوده که از گذشته‌ای دور تاکنون همواره نقشی به سزا در تحولات ایران و موقعیت آن در نظام جهانی و منطقه‌ای داشته است. امروزه متخصصان امر همبستگی ملی را تحت تأثیر سه دسته عوامل می‌دانند. عوامل تقویت، تضعیف، و اصلاح کننده همبستگی ملی و برآنند که با شناخت این عوامل آنها را تقویت و اصلاح نمایند. این مقاله برپایه جغرافیای فرهنگی - تحلیلی نگاشته شده و دیدگاه حاکم بر آن دیدگاه اجتماعی - فرهنگی است (تری ولستر، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷).

فلات ایران در ارتفاع ۱۲۰۰ متری قرار گرفته و غالباً با ارتفاعات محصور شده است. هر جایی از ایران که خالی از کوههاست، کویرهای وسیع موانع جدی برای ارتباط داخلی ایجاد نموده است. این شرایط، ارتباط داخلی کشور را با مشکل جدی روبرو ساخته و در پراکندگی اقوام مختلف نژادی و زبانی مؤثر واقع شده است (آی. ان. سی، ۱۹۹۵، ص ۲۱۲).^۱

رشته کوه البرز که در شمال ایران گسترش یافته، مناطق شمال کشور و حواشی دریای خزر را از تهران و بخش مرکزی جدا نموده است. دشت کویر و لوت اکثر قسمت‌های مرکزی و شرقی ایران را پوشانده و موانعی برای ارتباطات شرق و غرب ایجاد نموده است. وجود زلزله در ایران هر از گاهی مشکلی برای کشور ایجاد می‌نماید و آب و هوای خشن در ایران تابستانهای گرم و زمستانهای سرد را باعث شده است. در مجموع محیط جغرافیایی در ایران از هماهنگی کامل برخوردار نیست، ولی با وجود این، در شکل‌گیری وحدت و همبستگی مناسب در کشور نقش داشته است. وجود ارتفاعات در ایران گروه‌های مختلف قومی را در ماوراء آنها به صورت جداگانه با فرهنگ و زبان خاص پرورش داده است که در اینجا به آنها اشاره می‌شود.

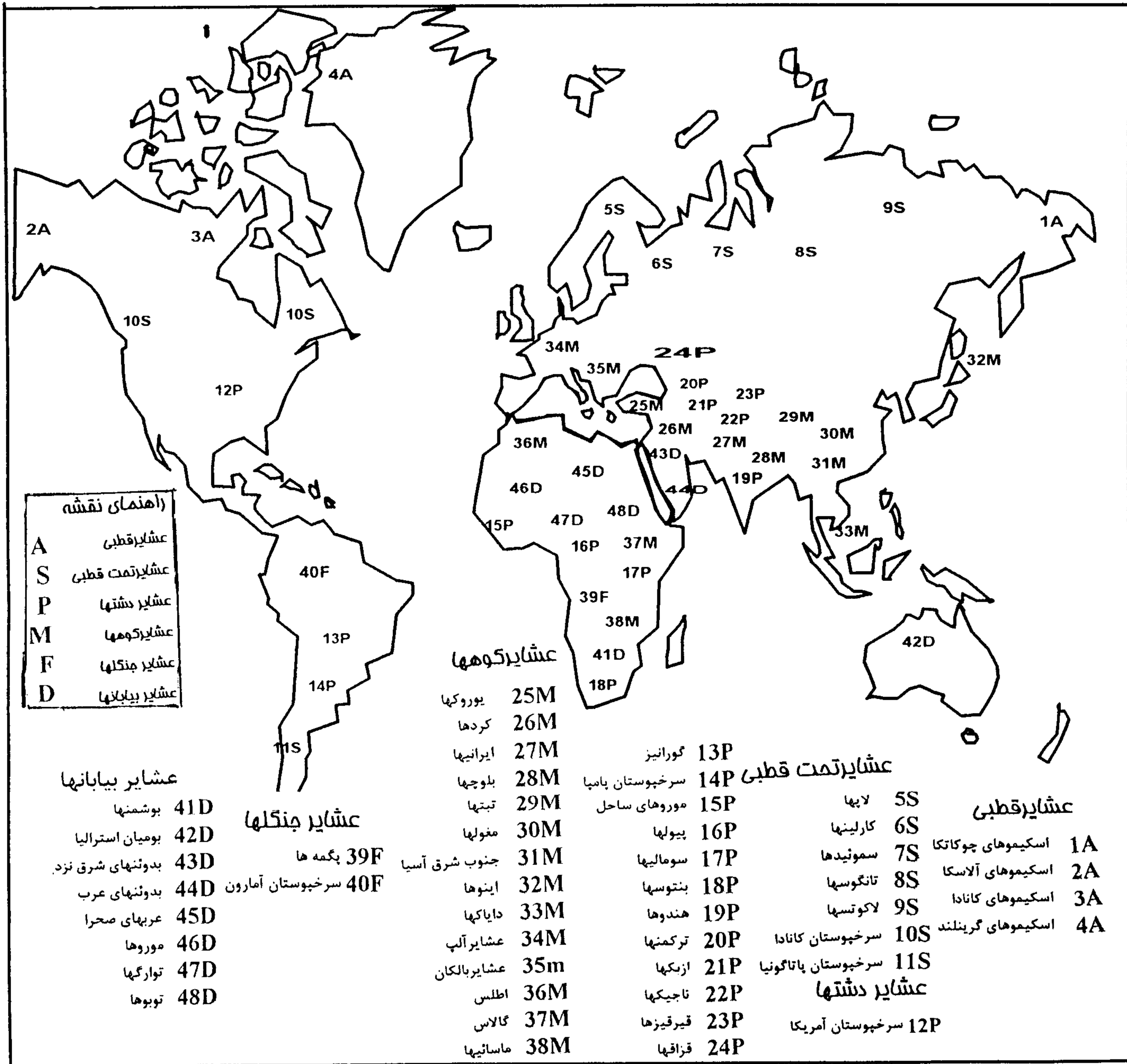
هویت‌های قومی و نژادی

مسئله اقوام در اکثر کشورهای جهان و از جمله خاورمیانه و ایران موضوعیت و اهمیت خاص دارد. پراکندگی قومیت‌های نژادی جهان براساس تقسیمات جغرافیایی دنیز (۱۹۸۹) مطابق نقشه شماره (۱) ذکر شده است. بنا به تفاوت‌های جغرافیایی در جهان، قومیت‌های متعددی در آن زندگی می‌کنند. این اقوام علاوه بر روابط ملی به وابستگی‌های قومی، آداب و رسوم و فرهنگ سنتی خود نیز علاقمند هستند.

سازمان سیاسی و اجتماعی عشایر در ایران اغلب به صورت ایلی است. در گذشته خوانین و کلانتران در رأس سازمان سیاسی و اجتماعی ایلات قرار داشتند؛ ولی اکنون این سلسله مراتب تضعیف شده، هرچند اثر معنوی آن هنوز باقی است. اکنون بزرگان ایل، دیگر در شهرها زندگی می‌کنند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شوراها را جایگزین خوانین و کدخدایان ایل شده‌اند. اما آنها در اداره ایل موفق نبودند. الوار، عربها، بلوچها، ترکمنها، هزاره‌ها و افشارها از بقیه ایلات ایران هستند که هنوز هویت‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند. این اقوام امروزه به صورتهای گوناگون عشایر، نیمه عشایر، یکجانشین و اسکان یافته زندگی می‌کنند و معیشت آنها غالباً به دامداری، کشاورزی و کارگری وابسته است. از نظر مذهبی نیز بسیاری از این اقوام و عشایر ایران به اهل سنت تعلق دارند. فقط دو قوم بزرگ بنام ایلات قشقائی و بختیاری شعیه هستند. نقشه شماره (۲) پراکندگی ایلات مهم ایران را نشان می‌دهد. کردها در منطقه زاگرس، آذربایجان در شمال و شمالغرب، ایلات و عشایر شمال خراسان، اقوام و عشایر استانهای مرکزی ایران جدای از هم زندگی می‌کنند و در شرایط جغرافیایی متفاوتی بسر می‌برند (ثلاثی، ۱۳۷۹، ص ۶۹).

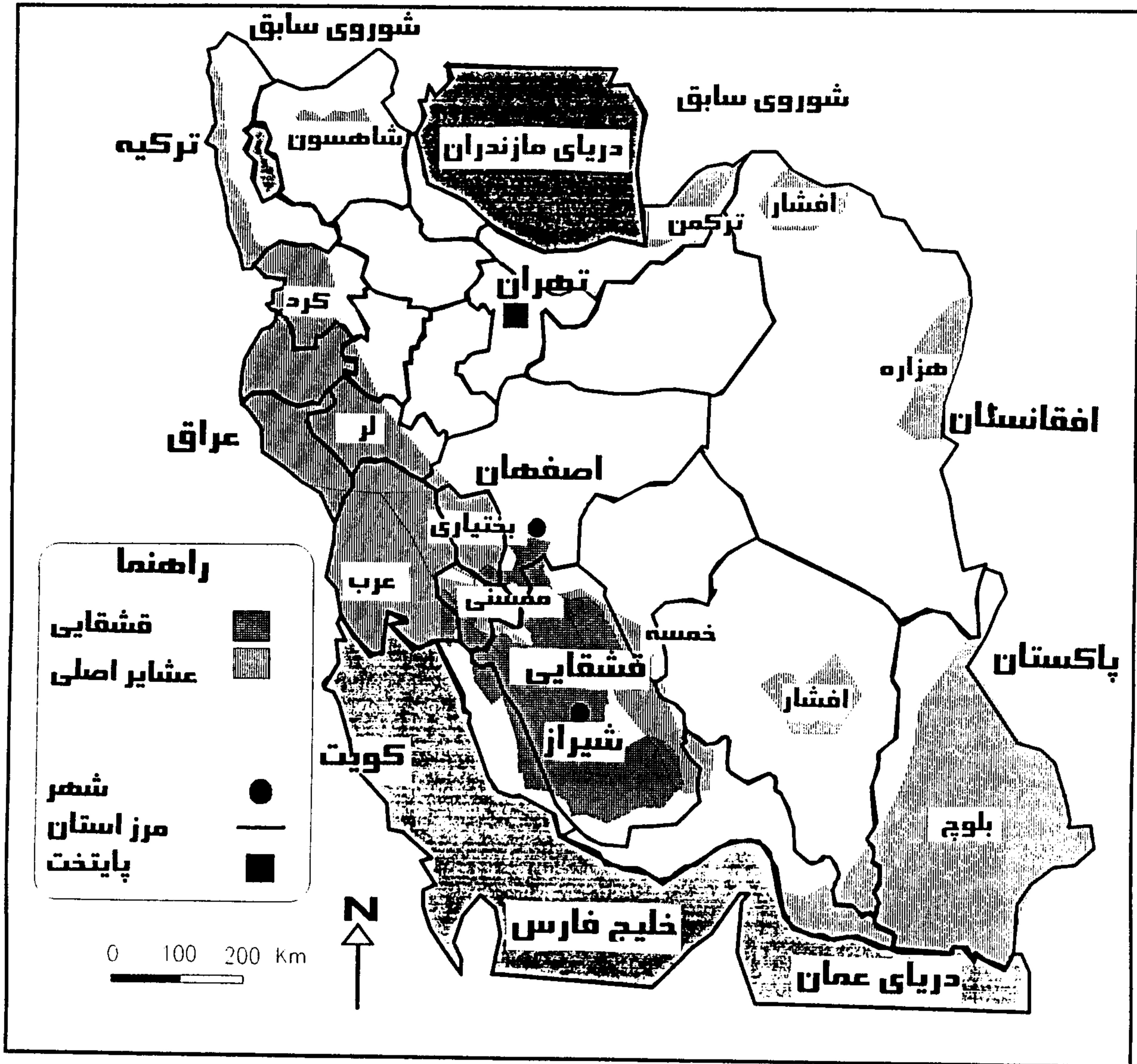
در ایران همچنین حدود دو میلیون افغانی مهاجر و یک میلیون مهاجر از سایر کشورهای همجوار زندگی می‌کنند. تعداد زیادی از مهاجران کشور را کردها و عربهایی تشکیل می‌دهند که بعد از جنگ‌های داخلی عراق به ایران پناه آورده‌اند (آی. ان. سی؛ ۱۹۹۵، ص ۲۱۳).

نقشه ۱- پراکندگی گروه‌های قومی و نژادی در جهان



مأخذ: اقتباس از دنیز (۱۹۸۹)

نقشه ۲- پراکندگی عشایر اصلی و ایل قشقایی در ایران



ماخذ: مرکز امار ایران (۱۳۶۵)

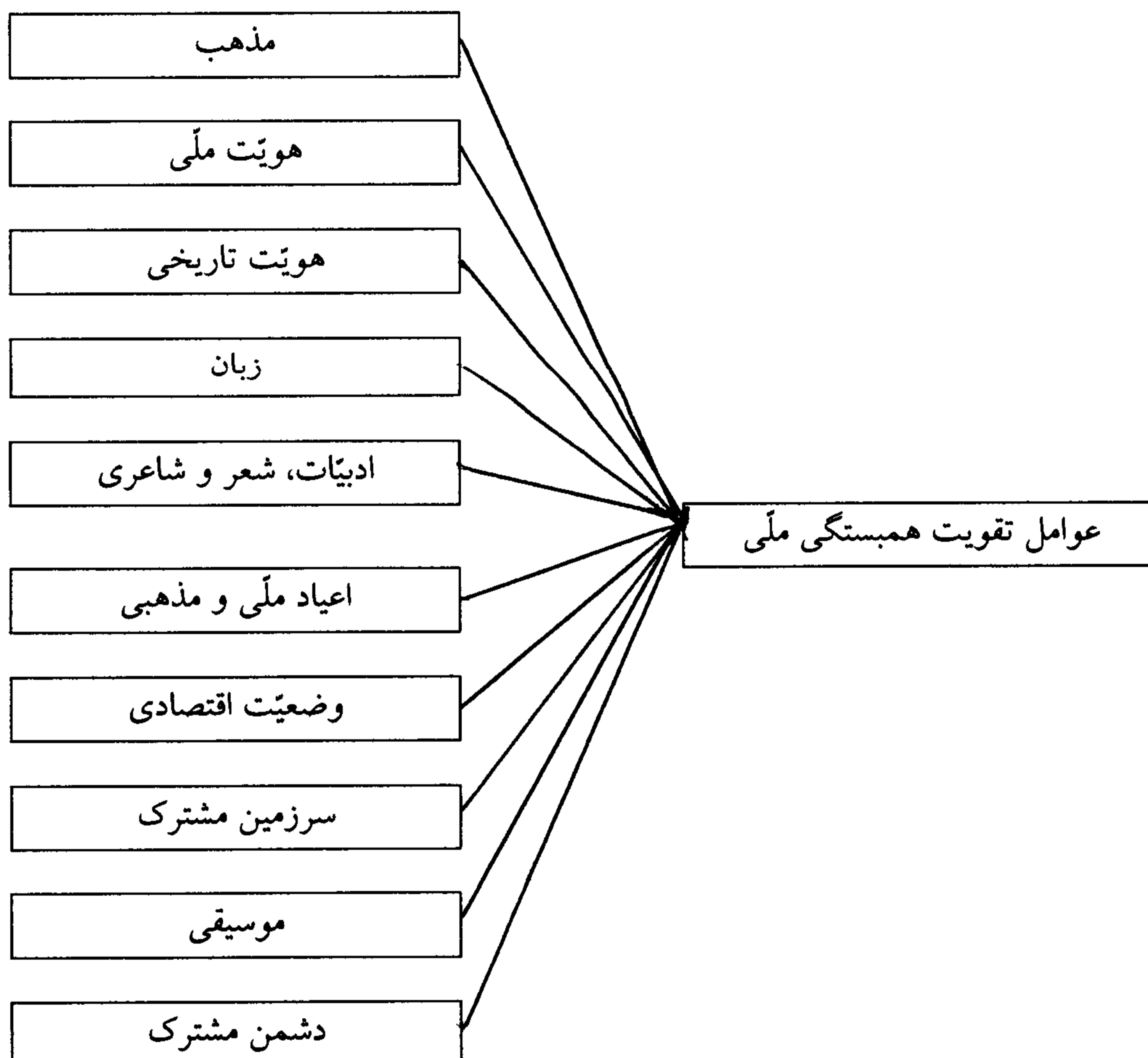
همبستگی ملی مفهومی دو سویه داشته که هم بر تمایزات و هم بر اشتراکات دلالت می‌نماید. از یک سو با تأکید بر مشترکات، ما را پیرامون محوری واحد همبسته و متعهد می‌سازد و از دیگر سو ما را از دیگران باز می‌شناساند. ایران ما کشوری متنوع، متکثر و مرکب از اقوام و خرده فرهنگ‌های گوناگون است که در میان آنها عناصر هویتی، دینی، ذهنی، تاریخ مشترک و جغرافیای واحد از اهمیت برخوردار است. بنابراین هنگام بررسی همبستگی و هویت ایرانی باید با ظرایف خاصی از گذشته پیش از اسلام تا تماس با تمدن غرب در دوره‌های اخیر را مدنظر قرار داد و از افراط و تفریط و یک سو نگری جلوگیری نمود (مطالعات ملی، ۱۳۷۹، ص ۶۲).

در ادامه با عنایت به چارچوب مفهومی، عوامل تقویت، تضعیف و زمینه‌ساز همبستگی ملی در ایران مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف - عوامل تقویت همبستگی ملی

عوامل تقویت همبستگی ملی در تاریخ ایران نیز نقش مهمی ایفا نموده است. هر چند در دوره‌های گوناگون این عوامل نقش و اهمیتی یکسان نداشته، معهذاً عواملی که در زیر می‌آید اگر به درستی در کشور اعمال شوند، در ایجاد وفاق و همبستگی ملی جنبه مثبت خواهند داشت و یا حداقل جنبه مثبت آنها بیشتر است. نمودار شماره (۱) این عوامل را نشان می‌دهد.

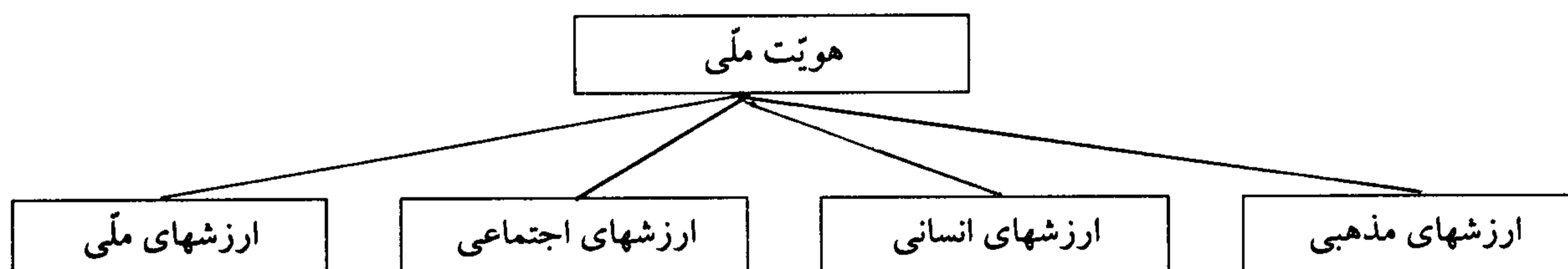
نمودار ۱- عوامل تقویت همبستگی ملی در ایران



۱- مذهب: اسلام دین بیش از ۹۸ درصد از مردم ایران است. اگرچه مذهب اسلام از عربستان سرچشمه گرفته، ولی اسلام شیعی غالباً در ایران توسعه پیدا کرده است. مذهب اسلام به دو شاخه سنی و شیعه تقسیم شده است و اکثریت مردم ایران پیرو مذهب شیعه اثنی عشری هستند. در طول تاریخ، رهبران دینی در ایران مبارزات ضد امپریالیستی را با استعانت از وحدت اسلامی همواره به خوبی رهبری کرده‌اند. از جمله این نهضت‌ها می‌توان به نهضت مشروطیت و نهضت تنباکو اشاره نمود. بنابراین تعالیم اسلام می‌تواند به عنوان یک عامل معنوی فراگیر، همبستگی ملی را تقویت کند.

۲- هویت ملی: مشارکت در شیوه تفکر و احساس مردم یک کشور، هویت ملی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، هویت ملی نوعی احساس تعهد و تعلق خاطر به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی است (مطالعات ملی، ۱۳۷۹، ص ۱۷). هویت ملی شامل ارزشهای ملی، اجتماعی، انسانی و مذهبی است. در کشور ما ایران، این ارزشها از جایگاه خاصی در میان اقوام برخوردار است. با توجه به تعریف فوق، تمامی مشترکات فرهنگی ما اعم از سرزمین، زبان، نمادهای ملی مانند سنتها و ادبیات ملی به عنوان ارزشهای ملی تلقی می‌شوند. نمودار شماره (۲) ارزشهای هویت ملی را به روشنی نشان می‌دهد. روحیه ملی از دیگر عوامل مهم در انسجام مردم یک کشور است که در محدوده هویت ملی جایگاه و ارزش ویژه‌ای دارد. در تقویت روحیه ملی، دولتها با ایجاد فضای مناسب، نقش اساسی دارند. بنظر می‌رسد که این فاکتور مهم در کشور ما کمرنگ شده است.

نمودار ۲- عناصر هویت ملی



۳- هویت تاریخی: کشور ایران با سابقه تاریخی حدود ۲۵ قرن، یکی از کشورهای قدیم قاره آسیا است. از زمان حکومت کوروش و پسر بزرگ او داریوش این کشور از طرف غرب به دره رودخانه نیل در مصر و آسیای صغیر گسترش پیدا کرد و فرهنگ پارس را در سراسر این منطقه حاکم نمود. این کشور بزرگ در قرن هفتم میلادی به وسیله فاتحان عرب تسخیر و مذهب اسلام را به عنوان دین رسمی پذیرفت. تاریخ جدید ایران با افتتاح مجلس و قانون اساسی از زمان محمدعلی شاه قاجار شروع شده است.

۴- زبان: از کل جمعیت ایران بیش از دو سوم آن به زبان فارسی تکلم می‌کنند. زبان فارسی همچنین زبان رسمی ملت و دولت ایران است. زبانهای ترکی، کردی، لری، عربی و بلوچی نیز در ایران متداول می‌باشد، ولی آموزش کودکان و بزرگسالان در ایران به زبان فارسی است.

۵- ادبیات، شعر و شاعری: ادبیات قوی و شعر و شاعری از جمله عواملی است که وفاق ملی را در کشور تقویت

می‌نماید؛ زیرا ادبیات مشترک، احساس مشترک برای مردم ایجاد می‌نماید. اشعار حافظ، سعدی و مولوی از جمله اشعاری است که نه تنها در زبان فارسی بلکه در هر زبانی و در میان هر قومی و ملّتی احساس مشترک انسانی بوجود می‌آورد (ثلاثی، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

۶- اعیاد ملی و مذهبی: اعیاد ملی مانند عید نوروز و جشن مهرگان و اعیاد مذهبی مانند بعثت پیامبر اسلام، عید قربان و عید فطر احساس مشترک بین ایرانیان و سایر جوامع اسلامی ایجاد نموده و همبستگی ملی را تقویت می‌کند.

۷- وضعیت اقتصادی: ارتباطات اقتصادی در یک کشور نیز نقش هماهنگی را بین جوامع آن ایجاد می‌کند. این فاکتور نیز در محافل علمی به عنوان یک عامل هماهنگ کننده نقش دارد. برای مثال، اکتشاف نفت از سال ۱۹۰۸ میلادی به وسیله شرکت‌های انگلیسی در ایران سبب تقویت وفاق ملی بین ملت ایران شد (آی، ان، سی، ۱۹۹۵، ص ۲۱۴)^۱. مبارزه برای ملی شدن نفت ایران به رهبری دکتر مصدق نمونه بارزی از هماهنگی و یکپارچگی ملت در برابر غارتگران اقتصاد در کشور ما می‌باشد. تعدادی از سیاست‌ون اعتقاد دارند که این فاکتور هم وزن و هم پای با سایر عوامل همبستگی ملی نباید بحساب آید.

۸- سرزمین مشترک: سرزمین مشترک که با مرزهای جغرافیایی مشخص می‌شود نیز عاملی برای تشریک مساعی مردم و احساس تعلق ملت به آب و خاک خود می‌باشد. به خاطر همین احساس تعلق به آب و خاک یک کشور است که مهاجران بین‌المللی همواره مشکل وابستگی به سرزمین جدید را دارند. در این ارتباط دانیلز و رایکرافت^۲ (۱۹۹۳) معتقدند که خانه یا سرزمین مثل قلعه نظامی است که ارتش به آن افتخار می‌کند. در حقیقت خانه جایی است که انسانها در آن متولد شده، بزرگ شده و احساس تعلق به آن را در خود تقویت می‌نمایند. بنابراین رهایی از این تعلق خاطر بسیار دشوار است.

۹- موسیقی: موسیقی ارتباط تنگاتنگ با جغرافیای یک کشور دارد. موسیقی همچنین ارتباط بین حرکت و فضا را برای مردم یک سرزمین بیان می‌کند (باتز و پلاگ، ۱۹۹۱، ص ۱۱۵)^۳. رشته‌هایی علمی در دانشگاهها وجود دارند که ارتباط موسیقی را با مکان‌های خاص بررسی می‌کنند. در هر صورت عامل موسیقی به مردم یک کشور شادابی و روحیه بخشیده و در مردم وحدت ایجاد می‌کند.

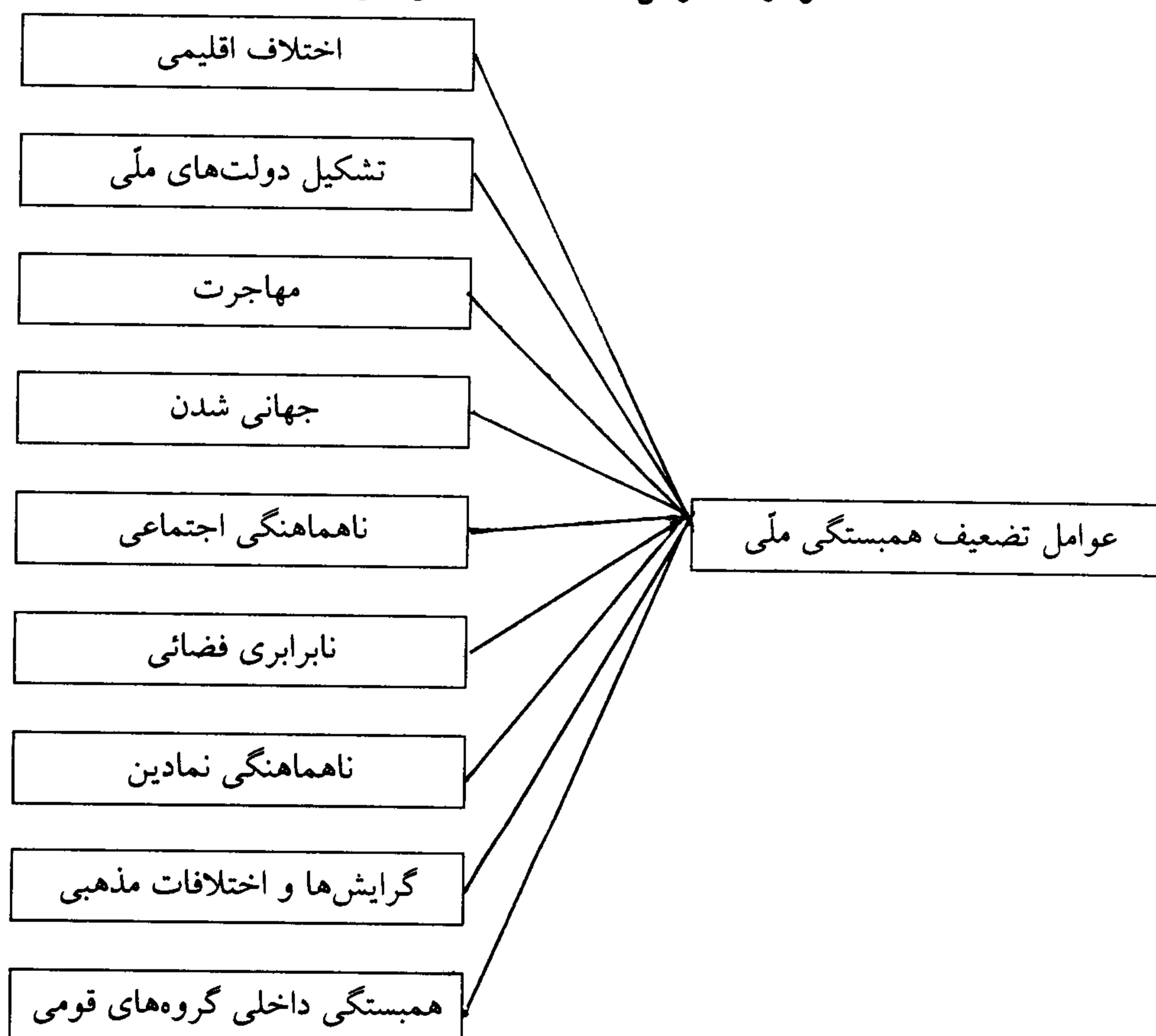
۱۰- دشمن مشترک: یکی از عواملی که بین مردم یک کشور همبستگی ایجاد می‌کند، وجود یک دشمن خارجی مشترک است؛ زیرا ترس مشترک، وحدت جمعی می‌طلبد. حتی در بعضی از کشورهای در حال توسعه یک دشمن مشترک که ممکن است وجود خارجی هم نداشته باشد برای وحدت بین مردم به وسیله رهبران آن کشورها ایجاد می‌شود.

عوامل تضعیف همبستگی ملی

عواملی که در زیر می‌آید بعضی ماهیتاً و برخی با بی‌توجهی در تضعیف همبستگی مؤثر هستند و یا حد اقل جنبه منفی آنها بیشتر از جنبه مثبت است. نمودار شماره (۳) این عوامل را نشان می‌دهد.

1- Congression Quarterly, 1995
2- Daniels & Rycroft, 1993
3- Bates & Plog, 1991

نمودار ۳- عوامل تضعیف همبستگی ملی



۱- اختلاف اقلیمی: اختلافات اقلیمی سبب بوجود آمدن ناهماهنگی محیطی و جغرافیایی می‌شود و ناهمگونی جغرافیایی ناهماهنگی اجتماعی با فرهنگ‌های ویژه را بدنبال دارد. از اینرو اختلاف اقلیمی در تضعیف وحدت ملی نقش دارد (ثلاثی، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

۲- تشکیل دولت‌های ملی: این نوع حکومتها از سال ۱۷۸۹ میلادی از فرانسه شروع شد و غالباً به رأی مردم متکی است. بعد از جنگ جهانی اول و دوم، با مشخص کردن مرز بین دولت‌های ملی و گروه‌های نژادی منجر به ناهماهنگی‌های بین دولت‌های ملی شد (کرانز، ۱۹۹۸). زیرا وقتی که یک گروه نژادی در داخل کشور حکومت را در دست می‌گیرد، گروه‌های دیگر احساس می‌کنند که این حق به آنها نیز تعلق داشته و در مورد آنها کوتاهی شده است و بنابراین، این طرز تفکر منجر به جدائی اقوام و نژادهای داخل کشور می‌شود. این شیوه حکومت در زمان رژیم پهلوی در ایران منجر به سرکوبی ایلات و اقوام عشایر ایران شد. احساسات محلی و قبیله‌ای در بین آنها تقویت شد و آنها دریافتند که در رژیم پهلوی جایی ندارند. از اینرو آنها به نافرمانی پرداخته و حکومت نیز به تبعید و سرکوبی آنها اقدام نمود.

۳- مهاجرت: در مهاجرت‌های بین‌المللی نه انسانها جابجا می‌شوند، بلکه سنت‌ها و فرهنگ‌های آنها نیز از نقطه مبدأ به مقصد حمل می‌گردند. در نتیجه مشکل ناهماهنگی فرهنگ‌های مختلف در منطقه مقصد به جدائی قومی و فرهنگی منجر شده و همبستگی همگانی در یک کشور تضعیف می‌شود (قرخلو، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲).

۴- جهانی شدن: جهانی شدن یک پدیده تازه نیست؛ این پدیده بعد از انقلاب صنعتی در اروپا منجر به انتقال فرهنگ آنها به قاره جدید آمریکا و سایر نقاط جهان شد. در حقیقت انتقال فرهنگ برتر به دیگر نقاط جهان سبب تسلط فرهنگ برتر در سایر نقاط می‌شود. به عبارت دیگر، غلبه فرهنگ برتر در سرزمین‌های جدید به تضعیف دیگر فرهنگ‌ها منجر می‌شود (کلارک، ۱۹۸۶). البته لازم به یادآوری است که روند جهانی شدن، عوامل مثبت و منفی را همراه یکدیگر انتقال می‌دهد. برای مثال، عوامل مثبت نظیر علوم، فلسفه، هنر، آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک همراه با عوامل منفی مانند فرهنگ‌ها و زبان‌های برتر منتقل شده و بقیه جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعد از انباشت سرمایه (در نتیجه انقلاب صنعتی)، اروپائیان از طریق استعمار توانستند تمام جهان را فتح کرده و به زیر سلطه در آورند و الگوهای فرهنگی خود را به آنها دیکته کنند. در مورد ایران این شیوه در رژیم گذشته با دیکته کردن تمام الگوهای فارس زبانان به سایر خرده فرهنگ‌ها دنبال شد.

۵- ناهماهنگی اجتماعی: در بین جوامع قومی همواره بدله گوئی‌ها و بحث‌های اختلاف بر انگیز وجود دارد که شایسته جوامع مترقی نمی‌باشد. برای مثال کلمات سیاه پوست و سفید پوست، فارس و ترک، سنی و شیعه، چپ و راست از جمله مباحثی است که به اختلافات در جامعه می‌انجامد. در جوامع پیشرفته امروز، کلماتی که این گونه حساسیت‌ها را برمی‌انگیزاند، جایی ندارند. مثلاً به جای سیاه پوست و سفید پوست امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی کلمه مردمان رنگی بکار می‌رود تا از حساسیت‌های نژادی و قومی بکاهد. برای مثال در مورد ایران بیشتر لطیفه‌ها و بدله گوئی‌ها درباره افراد و گروهی خاص است.

۶- نابرابری فضائی: نابرابری‌های میان مناطق، نواحی، استان‌ها، شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ و به طور کلی نابرابری‌های جغرافیایی و اقتصادی به ناهماهنگی‌های اجتماعی لطمه زده و سبب تشنج در کشور می‌شود. نابرابری‌های تقسیم ثروت بین گروه اقلیت در یک کشور و رانت خواری نیز از این مقوله است.

۷- ناهماهنگی نمادین: تضعیف احساسات و تفکر مشترک مردم یک قوم در یک کشور منجر به نارضایتی خواهد شد. برای مثال، در چارچوب اداره یک مملکت باید نرم‌ها، ارزش‌ها، و زبان گروه‌های مختلف قومی گنجانده شوند تا آنها احساس فاصله با بقیه مردم را نمایند.

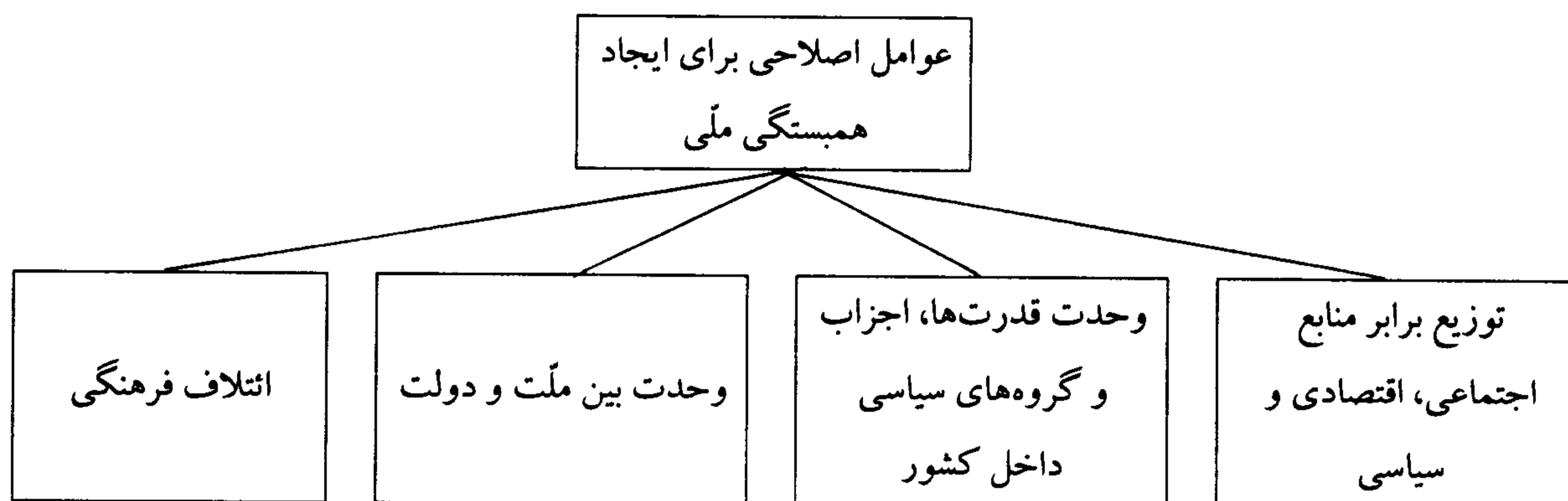
۸- گرایش‌ها و اختلافات مذهبی: رهبران مذهبی ممکن است که سلیقه‌ها و اختلاف نظرهای متعددی را در داخل هر کشوری اعمال کنند. البته تا زمانی که رهبران مذهبی به عنوان رهبران سیاسی معرفی نشده‌اند، این اختلافات کمتر است. برای مثال، مردم ایران به اختلاف نظر در باب اجتهاد اعتقاد دارند. اما وقتی که اختلاف نظر رهبران مذهبی به عرصه سیاست کشیده شود، این عامل مصداق پیدا می‌کند و در نتیجه، این ناهماهنگی‌ها و اختلافات فکری آنها سبب تقسیم بندی مردم به گروه‌های مختلف شده و به همبستگی ملی لطمه وارد می‌کند.

۹- همبستگی داخلی گروه‌های قومی: گروه‌های عشایری نظیر کرد، لر، بختیاری، قشقایی، بلوچ، عرب، ترکمن و غیره خود را به دولت مرکزی نزدیک نمی‌دانند. آنها مطابق آداب و رسوم خود به گذشته خود افتخار کرده و به سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و سنتی خود بیش از همبستگی ملی اعتقاد دارند. بنابراین، اگر طوری عمل شود که این مردم احساس جدائی نسبت به حاکمان خود نمایند، این رویه قطعاً در تضعیف همبستگی ملی مؤثر خواهد بود.

عوامل اصلاحی برای ایجاد همبستگی ملی

عواملی که در زیر می‌آید، زمینه ساز اصلاح و تقویت همبستگی ملی است. نمودار شماره (۴) این عوامل را نشان می‌دهد.

نمودار ۴- عوامل اصلاحی برای ایجاد همبستگی ملی



۱- توزیع برابر منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی: توزیع مساوی منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میان مردم یک کشور باعث تقویت وحدت ملی خواهد شد. توزیع منابع به طور برابر بین خود جوامع و بین دولت و جامعه نقش مؤثری را در ترمیم و اصلاح همبستگی ملی بازی خواهد کرد. برای مثال، محرومیت نسبی اکثریت از منابع موجود و کاهش سطح مشارکت همگانی در امور اقتصادی، سیاسی، عمومی و رانت‌خواری از جمله عواملی است که پیامدهای منفی نابرابری را در هر کشور ایجاد می‌کند. در کشور ایران هم اکنون بحث رانت‌خواری یک نمونه عینی است.

۲- وحدت قدرت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی داخل کشور: مطابق قانون اساسی در ایران قدرت سیاسی بین گروه‌هایی که در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی اجازه فعالیت دارند، تقسیم شده است. اگر چه این گونه تقسیم بندی از دیکتاتوری محض جلوگیری می‌کند؛ ولی در اغلب موارد اختلاف نظر بین این گروه‌ها، قدرت و توان آنها را به تحلیل برده و به تضعیف وفاق ملی می‌انجامد. در نتیجه، وحدت بین ارگان‌ها، سازمان‌ها و قدرت‌های سیاسی در جهت اصلاح همبستگی ملی مؤثر می‌باشد.

۳- وحدت بین ملت و دولت: دولت مردان باید همه بخش‌های یک کشور را با هم و به صورت اسکلت یک بدن مشاهده کنند؛ زیرا اگر بخشی از کشور صدمه ببیند، مانند اجزای بدنی می‌ماند که در صورت بروز عفونت در اندامی از آن، سایر اندام‌ها نیز فاسد خواهد شد. بنابراین برای اصلاح و تحکیم همبستگی در داخل کشور بهتر است تا مسئولین و برنامه‌ریزان کشور همه نواحی و بخش‌های آن را با هم مورد ملاحظه قرار دهند.

۴- اتتلاف فرهنگی: سیاست موزائیک فرهنگی به خرده فرهنگ‌ها امکان می‌دهد تا فرهنگ جامعه خود را به موازات سایر فرهنگ‌ها توسعه دهند (ریچارد، ۱۹۸۱). این نوع توسعه فرهنگی خرده فرهنگ‌ها، می‌تواند به هماهنگی فرهنگی با دیگر قومیت‌ها بیانجامد. نهایتاً اینکه سیاست اتتلاف فرهنگی می‌تواند در همبستگی

فرهنگ‌های مختلف داخل یک کشور، نقش مثبت ایفا نماید. این امکان نیز باید برای مردم کشور ایران که از اقوام و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون بوجود آمده، فراهم شود تا بتوانند آزادانه به توسعه فرهنگی خود پردازند.

نتیجه‌گیری

این مقاله عوامل همبستگی ملی در ایران را با توجه به عناصر جغرافیای فرهنگی بررسی نموده است. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که در کشور ایران مذهب، زبان، تاریخ مشترک، موسیقی، شعر و شاعری و ادبیات، اعیاد ملی و مذهبی و سایر هویت‌های ملی از عوامل تحکیم همبستگی بحساب می‌آید. عواملی چون اقلیم، دولت‌های ملی، مهاجرت، جهانی شدن، ناهماهنگی‌های فضائی، اجتماعی و نمادین غالباً از عوامل تضعیف همبستگی بحساب می‌آیند. برای تقویت عوامل تضعیف همبستگی بایستی به نکات زیر توجه کرد:

توزیع مساوی منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، وحدت قدرت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی داخل کشور، وحدت بین ملت و دولت به علاوه عامل ائتلاف فرهنگی از عوامل اصلاحی و تقویت همبستگی ملی محسوب می‌شوند. لازم به یادآوری است که عوامل تحکیم وحدت در کشورهای همجوار ما فوق‌العاده قوی است. بنابراین، بی‌توجهی به این نکات ممکن است که کشور را در آینده با مشکلاتی روبرو سازد و باید این احساس تعلق به آب و خاک همواره از سوی سیاستمداران تقویت شده تا همواره ایران در صحنه جهان کشوری پر افتخار و جاوید باقی بماند.

منابع و مأخذ

- ۱- تری و لستر (ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی)، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی. تهران: پیام.
- ۲- ثلاثی، محسن، ۱۳۷۹، جهان ایرانی و ایران جهانی، تهران: نشر مرکز.
- ۳- خاتمی، محمد، ۱۳۷۹، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، تهران: طرح نو.
- ۴- رضاقلی، علی، ۱۳۷۷، جامعه شناسی نخبه کشی، تهران: نشر نی.
- ۵- مطالعات ملی، ۱۳۷۹، فصلنامه شماره ۵، سال دوم.
- ۶- میرحیدر، دره، ۱۳۵۷، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سیمرغ.
- 7- Bates, Daniel G. & Plog Fred, 1991. Human Adaptive Strategies, Mc Graw-Hill, INC.
- 8- Clark, W.A.V. ،1986. Human Migration, Dept. of Geography, University of California, Los Angeles, Sage Publication, London.
- 9- Castello, M.A. ،1987“ .Slum & Squatter areas as enttepots for rural-urban migration in less developed society”, in Socia forces, No. 2.
- 10- Clark, W.A.V. & Hosking, P.L., 1986. Statistical Methods for Geographers, Johnwilet & Suns.
- 11- Crang, Mike ،1998. Cultural Geography ‘Routledge, london & New York.
- 12- Congression Quarterly INC., 1995. The Middle East; Washington, D.C.
- 13- Denis, P., 1989. Les derniers Nomades; L’ Harmattan, Paris.
- 14- Gharakhlou, Mehdi, 1996. Migration and Cultural Change in urban Comunities of the Qashqai of Iran, Ph.D. desertation, University of Ottawa, Ottawa, Canada.
- 15- Muir, Richard ،1981. Modern Political Geography; Macmillan Education.
- 16- Parnwell, Mike., 1993. Population Movements and the Third World, London, New York.
- 17- Walsh, Anthony., 1990. Statistics for Social Sciences with Computer Applications, Harper& Row Publishers, New york.